

امیرکبیر

«واقف ناشناخته»

● علی شیرین*

اشاره

یکی از ابعاد شخصیتی میرزا تقی خان امیرکبیر که کمتر به آن پرداخته شده و به نوعی مکتوم مانده و شاید کمتر کسی است که بداند امیرکبیر واقف هم بوده و آثار وقفی از خود برجای گذاشته است. البته یکی از دلایل این پنهان ماندن، فروغ پرنورتر دیگر ابعاد زندگی امیر است. به هر حال، «مسجد و مدرسه شیخ عبدالحسین» در بازار تهران، یکی از آثار و خدمات ارزشمند میرزا تقی خان امیرکبیر است و از جمله موقوفات شاخص و برجسته تهران به شمار می‌رود.

وصی امیر، شیخ عبدالحسین تهرانی یا شیخ العراقین است که امیرکبیر برای اجرای نیت‌های خیرخواهانه‌اش به او اعتماد کرد و مال و اموالش را به او سپرد تا در راه نشر معارف و نیت خیرخواهانه‌اش هزینه و در قالب وقف ثبت و ضبط شود. او یکی از علمای طراز اول عصر قاجار بود. بد نیست مختصری هم درباره این عالم فرزانه بدانیم.

مسجد و مدرسه شیخ عبدالحسین از جمله آثار تاریخی و هنری بازمانده از دوره قاجاریه در دل بازار تهران است که امروزه منشأ خیر و برکت و مرکز نشر معارف دینی و تربیت عالمان و مربیان اخلاق است. بررسی سیره واقف و چگونگی شکل‌گیری این موقوفه از محل مال الوصایا و آثار و مختصات آن و محتوای وقف نامه و...، از جمله محورهای این نوشتار است. در این مقاله با استناد به منابع تاریخی موجود به معرفی این موقوفه و آثار و خدمات آن و ابعاد آن پرداخته‌ایم که حاصل آن تبیین یکی از ابعاد مغفول زندگی امیرکبیر در حوزه فرهنگ وقف است.

* نویسنده و کارشناس ارشد علوم ارتباطات <https://ali.shirin.blogsky.com>

میرزا تقی‌خان امیرکبیر (۱۱۸۶-۱۲۳۰ کاشان)، صدراعظم با کفایت ناصرالدین‌شاه قاجار با درایت و تدبیر و دوراندیشی ویژه و شگرفش، در زمانی که کشور به شدت دچار مشکلات عدیده و دست‌اندازی‌های داخلی و خارجی بود، به توسعه همه‌جانبه کشور و دفع دشمنی‌ها پرداخت. او همچنین بنیان‌گذار دارالفنون بود که برای آموزش فناوری‌های نو در تهران پایه‌گذاری شد. درباره ویژگی‌های مذهبی و شخصیتی او هم که پایه و مبنای رفتارهای اجتماعی و سیاسی‌اش قرار می‌گرفت، عباس اقبال نوشته است: او «مردی دین‌دار بود و مثل هر ایرانی مسلمانی که از طفولیت و از راه تعبد، حفظ آداب دینی و رعایت اصول و قواعد مذهب بار آید، همه ظواهر مذهب تشیع را که مذهب آبا و اجدادی و دین رسمی مملکت بود رعایت می‌کرد» (اقبال آشتیانی، ۱۳۹۲: ۱۴۱). لذا بر اساس همین ملاحظات شرعی به علمای دین هم احترام می‌گذاشت و متناسب با مباحث شرعی و احکام دینی گام برمی‌داشت.

بر همین اساس، در اواخر روزهای زندگی شخصی نیز طبق وصیتش بخشی از اموال و املاک خویش را وقف امور خیر و ترویج فرهنگ دینی کرد که در مال‌الوصایا مشهود است و آثار و خدمات آن، امروز هم هویداست.

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در این باره می‌نویسد: «امیرکبیر در اواخر عمر، ثلث اموال خود را برای کارهای عام‌المنفعه و رد مظالم وصیت کرد، همانند همه مسلمانانی که جداً معتقد به روز قیامت، حساب و کتاب و جزا هستند و این عقیده در زندگی آن‌ها اثر می‌گذارد» (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۹۶: ۱۵۳). علاوه بر این، مادر امیرکبیر هم جزو واقفان به‌شمار می‌رود که متن وقف‌نامه‌اش در پایان آمده است.

آنچه از روایت‌های تاریخ به ما رسیده این است که امیرکبیر به کید و خدعه درباریان بیش از سه سال و سه ماه نتوانست بر مسند صدراعظمی، حکمرانی کند و ملت ایران خیلی زود داغدار یک صدراعظم کارآمد، توانمند و متعهد و اصلاح‌گر شد. اما براساس شناخت و حساسیت و تعهدی که داشت و نگاه آینده‌نگر و با هدف اجرای نیت خیرخواهانه شخصی و خانوادگی، «با آن نظر دقیقی که در شناسایی مردم و به‌ویژه روحانیت داشت، در بین تمام روحانیون خود او را (شیخ عبدالحسین تهرانی) وصی خویش قرار داد و شیخ‌العراقین هم از مال‌الوصایا امیر شهید، مسجد و مدرسه عالی در تهران بنا نهاد که امروزه به مسجد و مدرسه شیخ عبدالحسین یا مسجد آذربایجانی‌ها معروف است»

بی‌تردید امیرکبیر یکی از واقفان خیراندیش عصر فجر است که علاوه بر زیست سیاسی و حکومتی، یک چهره خیرخواهانه دینی را هم با عمل به سنت و وقف تجربه کرده و با آگاهی از نقش وقف در سپهر اجتماعی فرهنگ ایرانی و ماندگاری آن، به تأسیس وقف، آن هم در عرصه علم و دانش و کسب فضیلت معنوی، مبادرت کرده است، اما به دلیل توطئه دربار ناصری نتوانسته به‌شخصه تمامی نیت‌های خیرخواهانه‌اش را اجرایی کند.

برخی از محققانی که درباره شخصیت امیر عصر فجر کتاب و تحقیق نگاشته‌اند، به سیره

دینی و منش دین‌ورزانه امیر و ارتباط او با علمای عصر پرداخته‌اند. برای مثال آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در کتاب «امیرکبیر قهرمان مبارزه با استعمار» و عباس اقبال آشتیانی در کتاب «میرزا تقی‌خان امیرکبیر» و... اما در کمتر منبع و مأخذی در خصوص اقدامات وقفی و خیر خواخوانه‌ها امیر که در وصیت‌نامه‌اش مندرج است و بعد از مرگ او به وقوع پیوسته، مطلبی نگاشته‌اند. لذا دست ما برای بررسی بیشتر این مبحث در منابع مکتوب تنگ بوده است.

علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی با تبیین سیره دینی امیر و ارتباطاتش با عالمان عصر، درباره موقوفه او می‌نویسد: «مسجد و مدرسه مرحوم حاج شیخ عبدالحسین که اکنون در بازار تهران مورد استفاده مسلمانان است، از همین ثلث امیرکبیر ساخته شده است. البته در زمان صدارت خویش زمین آن را خریده و نقشه ساختمان را هم تهیه کرده بود، ولی مهلت پیاده کردن نقشه را نیافت و طبق وصیت او، بعد از مرگش وصی او حاج شیخ عبدالحسین آن را ساخت» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۶: ۱۵۳).

■ شیخ‌العراقین وصی امیر

آیت‌الله حاج شیخ عبدالحسین تهرانی، «شیخ‌العراقین» (متوفی، ۱۲۸۶ ق) از فقیهان نامدار قرن ۱۳ است که به دقت نظر، اندیشه صائب و همت بلند شهره بود و در زمان اقامتش در کربلا، جمع کثیری از مردم آنجا از وی تقلید می‌کردند. وی شاگرد برجسته «صاحب جواهر» بود و از ایشان اجازه اجتهاد داشت. صاحب جواهر به اجتهاد چهار تن از شاگردانش تصریح داشت که یکی از آن‌ها شیخ عبدالحسین بود. سخن چنین شخصیت سترگی درباره شیخ‌العراقین، گواه رتبه بلند وی در دانش و درایت دینی است. چنانکه آیت‌الله میرزا حسین نوری (محدث نامدار شیعه) او را زبده اعظم محققان و نخبه افاض مدققان می‌خواند (بامداد، ۱۳۷۱: ۲۴۴). همچنین، ناصرالدین‌شاه او را در سال ۱۲۷۴ ق. برای تعمیر صحن مطهر ائمه اطهار در کربلا و کاظمین و سامرا (علیهم‌السلام) مأمور کرد و او از ۱۲۷۴ تا ۱۲۸۶ (که در ۲۲ رمضان فوت کرد) به این کار اشتغال داشت.

شیخ‌العراقین مورد اعتماد و عنایت خاص امیرکبیر هم قرار داشت و امیر، که از گوهرشناسان روزگار بود، علاوه بر ارجاع محاکمات شرعی دیوان به محضرش، «در مطالب مشکله و امور معضله با او مشورت» می‌کرد. حتی برای تعیین نام فرزندان شاه، از استخاره‌هایش مدد می‌گرفت؛ به‌گونه‌ای که داوری او قطعی بود (پیشین).

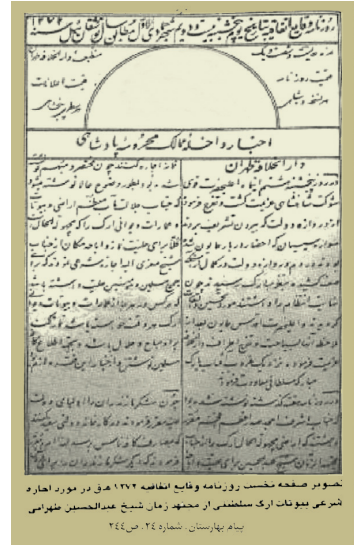
■ مدرسه و مسجد عبدالحسین، موقوفه‌ای علمی و حوزوی

مدرسه و مسجد شیخ‌عبدالحسین یکی از مستحدثات ایشان در بازار تهران است که از محل مال‌الوصایا امیرکبیر، بعد از امام‌زاده سیدولی و امام‌زاده زید، در راسته پانچار واقع است و امروزه محل تحصیل طلبه‌های علوم دینی و اقامه نماز و رجوع عموم مردم، مجاوران

و بازاریان و موقوفه‌های علمی و مذهبی است. «خان ملک ساسانی»، مورخ معاصر، دربارهٔ این مدرسه و مسجد شیخ عبدالحسین نوشته است: «در جنوب و مغرب امامزاده زید، خرابه‌هایی بوده که میرزا تقی‌خان به فکر آبادی آنجا افتاده، بازار ارسی‌دوزها، کاروان‌سراهای امیر و بازار خیاطها و مسجد و مدرسهٔ معروف به شیخ عبدالحسین را با هم شروع به ساختن کرده، قسمتی از آن‌ها در حیات خودش به اتمام رسیده و برای اتمام بقیهٔ ساختمان، حاجی شیخ عبدالحسین طهرانی، ملقب به شیخ‌العراقین، را وصی قرار داده است که از ثلث اموالش همه را به اتمام رساند» (ساسانی، ۱۳۳۸: ۴۲ و ۴۳).

□ وجه تسمیهٔ مسجد و مدرسه

همچنین، این مورخ در ادامه دربارهٔ وجه تسمیهٔ نام‌گذاری مسجد و مدرسهٔ شیخ عبدالحسین نوشته است: «مرحوم آقا سید محمد بهبهانی که از ملازمان شیخ عبدالحسین شیخ‌العراقین بود و در سن نودسالگی فوت شد، از قول مرحوم حاج شیخ عبدالحسین حکایت می‌کرد که میرزا آقاخان صدراعظم اصرار زیاد داشت که من این مسجد و مدرسه را به اسم او بکنم یا لاقلاً اسم امیر را بر آن‌ها نگذارم. من هم برای رضای خاطر او آن‌ها را به اسم خودم خواندم. آن وقت میرزا آقاخان اصرار کرد مدرسه‌ای که در کربلای معلای وصل پدر سلطانی نیز از ثلث میرزا تقی‌خان ساخته‌ام، به اسم او بکنم. برای اینکه از شر او خلاص بشوم، اسم آنجا را مدرسه صدر گذاردم» (پیشین).^۱



۱. در صفحه ۱۹ همین شماره توضیح داده شده است.

□ اثر برجسته تاریخی و هنری از عصر قاجاریه

مسجد و مدرسه زیبایی‌هایی هنری و معماری دارد که توجه هر بیننده‌ای را به‌خود جلب می‌کند. مرحوم سید محمدتقی مصطفوی، محقق و باستان‌شناس، که سال‌ها پیش از این مسجد بازدید داشته، حاصل این بازدید علمی را چنین نگاشته است: «در شمال و مغرب حرم سیدولی، مسجدی است که هم‌زمان با سال بنای بقعه یا کمی قدیم‌تر به نظر می‌رسد و کتیبه‌کاشی آیه‌الکرسی حیاط مسجد که جدیدتر از بنای مسجد است، مورخ به سال ۱۲۹۳ است؛ به شرحی که گذشت. مدخل اصلی بقعه سیدولی از طرف جنوب است و این مدخل مشرف به جلوخانی است که در ابتدای بازار معروف به پاچنار از سمت بازار اُرسی‌دوزان^۱ و امام‌زاده زید (ع) واقع گردیده. آثار دیگر هم در جوانب آن ساخته‌اند که برای اطلاع مردم صاحب‌اندیشه، ذکر آن‌ها بی‌مورد نیست. وی در ادامه نوشته است: بر بالای سر در مسجد آذربایجانیان که در مجاورت مدرسه شیخ عبدالحسین و در ضلع جنوبی بازارچه و جلوخان سیدولی واقع گردیده است، کتیبه قرآنی شامل آیه مبارکه «انما یعمر مساجد الله...» به خط ثلث غیراستادانه بر خشت کاشی لاجوردی نگاشته شده است و در انتهای کتیبه مزبور این عبارت خوانده می‌شود: «... رقم حسین قولری آقاسی و به ثلث مرحوم میرزا تقی‌خان امیرنظام و به سعی مرحوم آشیک عبدالحسین اتمام پذیرفت. سنه ۱۲۷۰».

مسجد فوق دارای کاشی‌کاری‌های عالی دوره ناصرالدین‌شاه و از آثار برجسته عصر قاجاریه در تهران است و حاشیه زیلوهای آن در شبستان زمستانی، مورخ سال ۱۲۷۸ ق و کتیبه شبستان بزرگ جنوبی است و محراب آن مورخ سال ۱۲۸۵ است. بدین قرار، بنای مسجد آذربایجانیان که منشأ اصلی آن ثلث ماترک مرحوم میرزا تقی‌خان امیرکبیر بوده، بیش از ۱۵ سال به طول انجامیده است.

ناگفته نماند، این همان مسجدی است که در همسایگی جنوبی آن منزل شاهزاده علی‌قلی میرزا اعتضادالسلطنه، پسر فتح‌علی‌شاه واقع بود و شاهزاده مزبور طبق نظر مرحوم شیخ عبدالحسین و سایرین، قسمتی از خمخانه خود را برای توسعه شبستان به مسجد واگذار کرد و این بیت را پیغام داد:

ببین سعادت میخانه مرا زاهد که چون خراب شود خانه خدا گردد

منزل شاهزاده اعتضادالسلطنه دری به شبستان مسجد آذربایجانیان داشت و بعداً هم به شاهزاده عبدالصمد میرزاعزالدوله، برادر ناصرالدین‌شاه تعلق یافت و اخیراً آن را خراب کرده، تیمچه‌های سه‌گانه رحیمیه را به‌جای آن ساختند که مرکز فروش فرش شده است و تصویر شاهزاده اعتضادالسلطنه در یکی از اتاق‌های منزل مزبور که روی گچ بود، به‌وسیله آقای حاج حسین آقا ملک خریداری و در کتابخانه ملک نگهداری شده است. در تاریخی مسجد در مغرب مسجد آذربایجانیان در مدرسه شیخ عبدالحسین که مربوط

۱. کفش‌دوزها / کفاش‌ها

به همان شیخ عبدالحسین فوق‌الذکر است قرار دارد که منبت‌کاری عالی آن از آثار ممتاز دوره قاجاریه به‌شمار می‌رود و درست رو به روی درِ اصلی، یعنی مدخل جنوبی سیدولی، واقع است.

مطابق کتیبه‌های نستعلیقی که بر آن به‌طور برجسته نوشته‌اند، این در، در سال ۱۲۷۹ هجری به فرمایش آقا یوسف، به‌وسیله استاد نوروز تهرانی ساخته شده است و روی قسمت بالای چارچوب آن این دوبیتی خوانده می‌شود:

الهی تا در رحمت گشوده ز آسمان باشد

گشاده این در عالی بر این عالی مکان باشد

شده چون حجت‌الاسلام شیخ عبدالحسین بانی

جزای این عمل وی را بهشت جاودان باشد

کتبه العبد المذنب عبدالله الطهرانی (مصطفوی: ۶۵ تا ۶۷)

□ شیخ عبدالحسین و تولیت مدرسه

در سال ۱۲۷۳ کار ساخت این مدرسه به اتمام رسید. در ابتدای امر، تمام امور آن برعهده شیخ عبدالحسین تهرانی بود و پس از ایشان هم به مدت ۵۰ سال وضعیت تولیت نامشخص بود. پس از این مدت نیز شخصی به نام علی جواهر کلام، از اولاد صاحب جواهر، که ادعا می‌کرد نوه دختری شیخ عبدالحسین تهرانی است، تولیت را برعهده می‌گیرد.

علی جواهر کلام وابسته به طاغوت بود. در زمان تولیت وی، این مدرسه به خوابگاه دانشجویان دانشگاه تبدیل شده بود و گاهی دانشجویانی که می‌خواستند فارغ‌التحصیل شوند، حجره‌شان را به دوهزار تومان به دانشجویان جدیدالورود می‌فروختند! حجة الاسلام و المسلمین خسروشاهی وضعیت مدرسه را تا سال ۱۳۴۰ چنین می‌گوید: «مرحوم ابوی در همین زمان به‌عنوان امام جماعت مسجدی که در کنار مدرسه بنا شده معرفی می‌شوند و در آن زمان چون قدرت مقابله با اوقاف را نداشته‌اند، شروع به خرید حجره‌ها کرده و طلاب را در مدرسه مستقر می‌نمایند تا آنکه دانشجویان حجره‌ها را به طلاب واگذار می‌کنند»

همچنین، اساتیدی همچون آیت‌الله امامی کاشانی، مرحوم آیت‌الله دروازه‌ای، آیت‌الله سیدرضی شیرازی و آیت‌الله صدر در اینجا دروس علوم اسلامی را تدریس می‌کردند (افق حوزه).

□ مدرسه شیخ عبدالحسین و شکل‌گیری انقلاب اسلامی

تولیت مدرسه علمیه شیخ عبدالحسین تهرانی، با اشاره به فعالیت گسترده طلاب و استادان این مدرسه در شکل‌گیری انقلاب اسلامی هم می‌گوید: «آن زمان که نهضت اسلامی شروع شد، اینجا یکی از مراکز مهم انقلابیون به حساب می‌آمد. یادم هست در ماه مبارک

رمضان سال ۱۳۴۳، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اینجا منبر می‌رفتند. همچنین، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز در ماه رمضان سال ۱۳۴۵ با موضوع اقتصاد اسلامی منبر می‌رفتند که جمعیت حاضران بیشتر از سال‌های قبل بود. شخصیت‌هایی چون حجج‌الاسلام صالح خرم‌آبادی و فاکر نیز به همین صورت در مدرسه حاضر می‌شدند.

روحانیت مبارز در آن زمان تازه شکل گرفته بود و جلسه‌هایشان اینجا برگزار می‌شد. مرحوم شهید مطهری و مرحوم شهید بهشتی در این مکان حضور می‌یافتند. مدرسه به مرکز پرانرژی تبدیل شده بود تا جایی که یک روز ژاندارمری مدرسه را بست. مرحوم ابوی آمد و جلوی در مدرسه سجاده‌ای انداخت و آقای بادامچیان، که مکبر مسجد بود، اذان گفت. کل بازار تعطیل شد و همه برای اقامه‌ی نماز پشت سر ایشان حاضر شدند. نماز دوم شروع نشده بود که در مدرسه را باز کردند.

توزیع اعلامیه‌های امام راحل در بازار تهران از سوی طلاب مدرسه انجام می‌شد. طلاب همواره سعی می‌کردند جماعت زیادی از بازاریان را جذب انقلاب کنند، زیرا بازار یکی از مراکز مهم انقلاب بود و اگر بازار انقلابی می‌شد، تهران تکان می‌خورد. در آن زمان، بعضی از بازاریون با انقلاب خوب نبودند و در بعضی از مساجد، روحانیون درباری حضور داشتند و مخالف انقلاب اسلامی بودند. تولیت مدرسه علمیه آیت‌الله شیخ تهرانی در این باره به کندن بلندگوهای مسجد به دستور ابو‌حسین، از نزدیکان شاه، اشاره می‌کند و می‌گوید: «مرحوم علامه فلسفی آن زمان که در این مدرسه منبر می‌رفت، خیل عظیمی از جمعیت در مدرسه جمع می‌شدند و مشتاقانه سخنان ایشان را گوش می‌کردند».

■ حفظ میراث مال‌الوصایه امیر کبیر در عصر حاضر

مدرسه عبدالحسین هم‌اکنون در دل بازار تهران محل نشر علم و دانش و حضور طلاب علوم دینی است و در آن بیش از ۱۴۰ طلبه در سطح‌های گوناگون در حال کسب علوم و معارف دینی هستند. در عین حال، این طلبه‌ها در حجره‌های مدرسه که بیش از ۳۰ حجره را شامل می‌شود، به زی‌طلبگی خویش ادامه می‌دهند. متولی مدرسه با سعی و تلاش و پیگیری فراوان توانسته است این میراث بازمانده از بیش از ۱۷۰ سال پیش را از گزند آسیب‌های گوناگون حفظ و آن را با بازسازی و بهسازی‌های دوره‌ای ارتقا بخشد.

حجت‌الاسلام والمسلمین سید باقر خسروشاهی، فرزند آیت‌الله سید هادی خسروشاهی، بعد از پدر مرحوم خویش، نسبت به حفظ این میراث و فضای کهن، کاشی‌کاری‌ها، درهای چوبی، فضای طبیعی، درختان کاج و چنار بسیار اصرار ورزیده و با احداث چاه توانسته است فضای سبز و درختان این مدرسه را از خشک‌سالی‌های ممتد سال‌های گذشته برهاند. همچنین، ایشان نسبت به حفظ ابنیه و تأمین امور بهداشتی و آسیب‌زدایی از بخش‌های گوناگون اقدام کرده است.

علاوه بر این، فضای سرسبز مدرسه در تابستان مورد توجه بازاریان، مجاوران و ساکنان

اطراف مدرسه قرار گرفته و آن‌ها در سایه‌سار این فضای مفرح ساعت‌های آرامی را می‌گذرانند. صحن این مدرسه به شیوه چهار ایوانی است. اتاق‌ها و غرفه‌های محل سکونت طلبه‌ها را در اطراف صحن ترتیب داده‌اند. کاشی‌کاری‌های خشتی هفت‌رنگ خوش‌طرح و زیبایی سر در مدرسه از آثار هنری شایان توجه این مدرسه است. علاوه بر این، کتابخانه به نسبت بزرگی در وسط حیاط مدرسه ایجاد شده است که بیش از ۲۰ هزار جلد کتاب مرجع و غیرمرجع دارد. مدرسه در سال ۷۲ بازسازی شده. البته تلاش شده شکل و شمایل اصیل و سنتی حفظ شود. در این زمینه و اداره مدرسه، کمک‌های مردمی و خیران بسیار مؤثر بوده است و البته تلاش مضاعف متولی، حجت‌الاسلام خسروشاهی، نیز بسیار مؤثر و نقش‌آفرین بوده است (پیشین).



□ متن وقفنامه مسجد و مدرسه

این وقفنامه در مورخ ۱۲۷۶ق. اشاره دارد به اینکه ۱۳ باب دکان واقع در راسته بازار جدید دارالخلافت تهران را امیرنظام در زمان خود بنا کرده و گفته بود در سهم والدهاش مقرر شود. امیر وصیت کرد درآمدهای دکان‌های مادرش نیز به صورت مصالحه‌نامه به شیخ عبدالحسین تهرانی انتقال یابد. شیخ عبدالحسین نیز آن‌ها را به همه شیعیان وقف کرد تا ثواب آن به روح مادر امیرنظام برسد. البته رقبات این موقوفه امروزه به ۹۴ باب مغازه افزایش یافته است. یکی از نکات مهم این وقفنامه، تقسیم دقیق سهم نبات واقف و تعیین متولی و جانشینان متولی در مقاطع زمانی مختلف است.

متن کامل این وقفنامه به این شرح است:

● وقفنامه مادر امیرکبیر

اصل وقفنامه املاک مادر امیرکبیر و وصیتنامه شیخ عبدالحسین تهرانی، معروف به شیخ العارفین، جزو اسناد دیوان محاکمات وزارت امور خارجه در سازمان اسناد ملی ایران موجود است. وقفنامه در هجدم شوال سال ۱۲۷۶ق. نوشته شده و طی آن مادر امیرکبیر، به تفصیل، محل خرج درآمد دکان‌هایی را که سهم‌الارث او از ماترک امیر بوده‌اند مشخص کرده و وضع کتاب‌های به‌جامانده از شیخ عبدالحسین در وصیتنامه او روشن شده است. معلوم نیست چرا اصل وقفنامه مادر امیر و اصل وقفنامه مادر امیر و اصل وصیتنامه شیخ عبدالحسین که در کاظمین تنظیم شده، جزو اسناد وزارت امور خارجه در آمده است!

شیخ عبدالحسین وصی امیرکبیر و متولی موقوفات مادر امیر بود و می‌توان احتمال داد که اصل وقفنامه مذکور در اسناد شیخ‌العراقین بوده و از آن طریق در اختیار محاکمات وزارت خارجه قرار گرفته است. اما مشکل در مورد وصیتنامه شیخ عبدالحسین باقی است. به هر روی، در دیوان محاکمات، سواد^۱ هر دو سند تهیه شده و این سواد، به‌ویژه از آن روی که بخشی از حاشیه وصیتنامه شیخ‌العراقین از بین رفته است، بسیار ارزشمند می‌نماید.

وقفنامه مادر امیر نمایانگر موارد مصرف عایدات موقوفات در آن روزگار است و متن وصیتنامه شیخ‌العراقین نشان‌دهنده توجه وی به تأمین منابع اطلاعاتی طلاب علوم دین است. این مسجد دو وقفنامه به تاریخ‌های ۱۲۷۶ق. و ۱۳۲۵ق. دارد.

۱. به رونوشت گواهی شده و برابر اصل شده یک سند سواد مصدق سند می‌گویند.

متن ذیل وقفنامه‌ای است که در سامانه جامع موقوفات سازمان اوقاف هم به ثبت رسیده که به این شرح است:

● هو الواقف علی الضمائر

غرض از تحریر و ترقیم این کلمات واضحه الدلالات شرعیه‌المبادی والغایات آن است که چون سیزده باب دکاکین واقع در راسته بازار جدید دارالخلافة طهران حفت بالامن و الامان که مرحوم مبرور علیین آرامگاه میرزا تقی خان امیرنظام غفرالله له احداث کرده و در حال حیات خود بنا نموده، فرمودند {ناخوانا ... } در حصه و سهم والده مکرمه معظمه ایشان برقرار شد و مدت زمانی متصرف شده و تصرف مالکانه در او می‌فرمودند و دکاکین مزبور در محل خود معین و معلوم و مستغنی از تحدید و توصیف است و در زمان وصیت رأی آن مخدره بر این قرار گرفت که قسمی شود، موافق شریعت مطهر و منافع این دکاکین حیاً و میتاً راجع و عاید خودشان شود.

علی‌هذا در حال صحت نفس و برقرار بودن قوی و مشاعر، عقد صلح صحیح شرعی جمیع سیزده باب دکاکین بازار مزبوره را منتقل فرمودند به جناب مستطاب شرعیته مآب، خاتم‌المجتهدین و قدوه الفقهاء الشارعیین، مروج شریعه و مسیدالملله منام‌الشیعه به علام فهم، مرجع‌الاسلام، مقتدی الانام، ابو الارامل و الایتام، ملجأ الخواص و العوام، آقاشیخ عبدالحسین طهرانی، ادام‌الله افاضاته، و بعد استقرارها بالصلح الصحیح الشرعی القطعی مذکور فی ملکه دام‌ظله‌العالی، وقف صحیح شرعی و حبس مخلد فرمودند جناب شرعیته مآب معظم‌البیه، جمیع سیزده باب دکاکین مزبوره را بر والده مرحوم امیر فی حال حیات‌ها و بر کافه و عامه شیعیان اثنا عشریه بعد ممات‌ها و برادر والده که مسمی به دایی ملک و اعقاب او به تفضیل ذیل که:

جناب مستطاب معظم دام‌ظله منافع املاک بعد از وضع اخراجات لازمه اعیان موقوفه بعد ممات‌ها اخذ و قبض فرموده و مصارف مقرره مفصله مشروحه صرف فرمایند و ثواب او را عاید روح والده و امواه او فرموده، و... منافع را بعد از وضع اخراجات ده قسمت نمایند، حق تولیة یک عشره به جهت خادم و چراغچی مسجد که در جنب همین بازار جناب شریعتمدار معظم‌البیه از ثلث مرحوم امیر آن مسجد را بنا فرموده. دو عشر به جهت روشنایی و بوریای همین مسجد جدید. دو عشر روضه‌خوانی تمام سال و روزها و شب‌های جمعه و دهه عاشورا و ده ماه صفر و ایام مبارک رمضان. سه عشر به جهت خریدن قرآن و کتب حدیث و ادعیه و روضه. یک عشر برادر والده مرحوم که مسمی به دایی

ملک است. یک عشر و بعد از دایی مشارالیه با ولده ذکور او نسلأ بعد نسل و بطناً بعد بطن باید آن عشر دایی برسد و نیز شش دانگ یک حجر طاحونه که مرحوم میرزا حسن خان از جانب قدسی، انتساب آقا شیخ محمد، برادر مکرم سرکار شریعتمدار، از بابت سه هزار تومانی که والده معظمه از سرکار شریعتمدار شیخ دام ظلله العالی طلب داشته، ابتیاع نموده بودند، بعد از انتقال آن به عقد صلح شرعی قطعی. ثانیاً از والده معظمه به جناب شیخ معظم الیه و پس از استقرار آن در ملک جناب ایشان وقف فرمودند جناب شریعتمدار دام ظلله تمام شش دانگ را بر والده معظمه مادام الحیوه و بعد از وفات بر شیعیان اثنا عشریه و برادر موقوف مذکور که بعد از وضع اخراجات لازمه، عین موقوفه را به تفصیل ذیل به مصارف مشروحه صرف نمایند.

حق التولیه یک عشر، تعزیه داری به نحو مسطور و سهم دکاکین دو عشر، نایب الزیارة کربلای معلای که هر ساله باید گرفته شود یک عشر، نایب الزیارة مشهد رضوی هر ساله یک عشر، افطار فقرا در ماه مبارک رمضان دو عشر، فقرای سادات در روز عید غدیر دو عشر، برادر والده معظمه دایی ملک و اولاد ذکور او به نحو مسطور در سهم دکاکین یک عشر، و بعد از انقضای اولاد ذکور دایی یک سهم او افزوده بشود بر سهم فقرا و سادات و همچنین بالنسبه یک سهم از دکاکین افزوده می شود. بعد از انقراض اولاد دایی بر سهم خریداری قرآن و کتب و مادام الحیوه اعیان موقوفه در دست خود والده دامت عفت هاست و امور او راجع به ایشان است و بعد از وفاتش متولی اعیان موقوفه از دکاکین و اسباب سرکار شریعتمدار معظم، آقا شیخ عبدالحسین ادام الله ایام افاضاته است و بعد او به جناب مستطاب تولیت و...

نظارت به نحو در ذیل است:

تولیت بعد از آن جناب از برای ولد ذکور اکبر ارشد ایشان، نسلأ بعد نسل و بطناً بعد بطن است، به نظارت و صواب دید اخ اکرم جناب مستطاب شیخ معظم الیه، جناب آقا شیخ محمد سابق الالقاب و ولد ذکور اکبر ارشد ایشان، نسلأ بعد نسل و بطناً بعد بطن است به نظارت و صواب دید.

صیغه وقف با رعایت جمیع شرایط ارکان و آداب مقرر در شریعت مطهره بر جمیع مراتب مسطور من البدو الی الختم جاری و واقع گردید، به تاریخ هجدهم شهر شوال المکرم من الشهور ۱۲۷۶ [برابر با اردیبهشت ماه ۱۲۳۹ خورشیدی]

نقش مه بیضی شکل: والده امیر نظام

نقش مهر مربع شکل: «الراجی علی عفور به عبدالحسین»

علمایی که زیر این وقفنامه را مهر و امضا کردند: آقا شیخ محمدحسن الیاس، محمدیوسف استرآبادی، آقامیر سیدعلی طاب ثراه، حجت الاسلام آقا شیخ عبدالحسین شیخ العراقین حاجی عمو، علی گلپایگانی، محمدیوسف استرآبادی، حاجی میرزا خلیل اصفهانی، حاجی عبدالحسین چاووشی، محمدامین طهرانی و سید محمدحسین طاب ثراه.

در مجموع بیش از ۱۴ نفر از علما و مجتهدان عصر این وقفنامه را مهر و امضا کرده‌اند (افق حوزه).

▣ رقبات مسجد و مدرسه شیخ عبدالحسین

علاوه بر وقفنامه، بر اساس اعلام اداره تحقیق اوقاف استان تهران، رقبات این موقوفه به این شرح است:

با توجه به اسناد و مدارک تقدیمی خواهان، موقوفه مسجد و مدرسه شیخ عبدالحسین دارای ۹۴ رقبه است و از این تعداد برابر وقفنامه عادی مورخ ۱۲۷۶ هجری قمری سیزده باب مغازه جنب مسجد شیخ عبدالحسین (که مسجد مذکور از محل ثلث مرحوم میرزا تقی خان امیرنظام معروف به امیرکبیر توسط آقا شیخ عبدالحسین طهرانی بنا گردیده است) و نیز شش دانگ یک حجر طاحونه که مصارف این سیزده باب مغازه و یک حجر طاحونه در وقفنامه مشخص و معلوم گردیده است و در سنوات بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی، بنا به اظهارات خواهان و اسناد مثبت، از جمله بودجه تنظیمی و استشهادیه محلی که در پرونده موجود است، تعداد ۴۶ باب مغازه مشتمل بر سرای فرهنگ به پلاک ثبتی ۱۳۱ الی ۱۳۶ بخش ۸ تهران و سرای روحیه به پلاک ثبتی ۲۲۹۲ و ۲۲۹۳ و ۲۴۷۷ الی ۲۴۸۲ بخش ۸ تهران که از لحاظ حدود و ابعاد مشخص و معلوم و مستغنی از تعریف است، توسط مسئولان حوزه علمیه شیخ عبدالحسین و نظارت اداره اوقاف محل احداث بنا گردیده است و این رقبات فاقد وقفنامه بوده و برابر سیره جاریه، همگی درآمد آن‌ها صرف در امور جاریه مدرسه علمیه شیخ عبدالحسین می‌گردد (سامانه جامع مدیریت اطلاعات موقوفات کشور).

منابع

۱. آدمیت، فریدون (۱۳۵۶). امیرکبیر و ایران. انتشارات خوارزمی. تهران.
۲. بامداد، مهدی (۱۳۷۸). شرح حال رجال ایران در قرون ۱۲، ۱۳ و ۱۴ قمری. انتشارات زوار. تهران. چاپ پنجم.
۳. روزنامه اتفاقیه، شماره ۵۲، پنجشنبه ۷ ربیع‌الثانی ۱۲۶۸.
۴. باستانی پاریزی، ابراهیم (۱۴۰۱). حماسه کویر. انتشارات علم. تهران. چاپ چهارم.
۵. مهدی آدمیت - رجال ایران
۶. محمد ابراهیم باستانی پاریزی - خاتون هفت قلعه
۷. فریدون مشیری - مجموعه اشعار
۸. سعید وزیری - آشنایی با دارالفنون
۹. اقبال یغمایی - وزیران علوم و معارف